

علیرضا اسماعیلی<sup>۱</sup>

## معماری دوره پهلوی به روایت اسناد

(۱) آرامگاه فردوسی

تلاش حکومتها برای ایجاد هویتی ویژه خود با تمسک به مظاهر فرهنگی، مخصوص دوران مدرن نیست و در طول تاریخ و سرتاسر جهان نمونه‌های گوناگونی برای آن می‌توان یافت. در تاریخ ایران نیز این نمونه‌ها کم نیست. از موارد متأخر آن می‌توان از تلاشهای حکومت صفوی یاد کرد. صفویان که با اتکا بر مذهب تشیع به حکومت رسیدند درصدد بودند هویت فرهنگی‌ای برای ایران متحد آن روزگار پدید آورند که از هویت ممالک عثمانی کاملاً متمایز باشد. بی‌شک ظهور معماری پرشکوه دوره صفویه به‌ویژه در مساجد و مدارس، از این نظر نیز شایان تفسیر است. صفویان با تقویت نهاد روحانیت شیعه به انتقال آموزه‌های شیعی در سراسر کشور و در بین مردم پرداختند. این تعلیم از طریق مدارس و مساجد صورت می‌گرفت. صفویان با احداث مساجد و مدارس، هم امکانات این تعلیم را گسترش می‌دادند، هم بر پای‌بندی خود به اسلام اصرار می‌کردند، و هم از طریق کالبد معماری مساجد و مدارس، سیاست دینی و فرهنگی و حکومتی خود را در محیط زندگی مردم تثبیت می‌کردند و نظام ارزشی حاکم را به آنان یادآور می‌شدند. شواهد چنین سیاستهایی را در دوره‌های بعدی نیز می‌توان یافت؛ از جمله در دوره ثبات نسبی حکومت فتح‌علی‌شاه و ناصرالدین‌شاه قاجار.

در دوران مدرن، وجهی دیگر بر این میل عمومی حاکمان افزوده شد: ظهور «دولت-ملت»‌های جدید. در این دوران، مرزهای ملی که مطابق قوانین بین‌المللی تعیین می‌شد، لزوماً بر مرزهای فرهنگی و حتی قومی منطبق نبود. از این رو، حکومت‌های کشورهای تازه‌تأسیس ناگزیر بودند هویتی برای خود بسازند که با مرزهای آنان منطبق باشد. این وضع با تقطیع برخی از کشورهای پهناور در پایان جنگ جهانی اول به جنبه اصلی جغرافیای فرهنگی و سیاسی جهان در سالهای آغازین قرن چهاردهم هجری شمسی بدل شد.

ایران نیز در این جریان جهانی ایجاد هویت‌های ملی معمول شرکت داشت. حکومت نویای پهلوی به این واقعیت توجه نداشت که مرزهای سیاسی ایران تا حد بسیاری (هرچند در دامنه‌ای کوچک‌تر) بر مرزهای فرهنگی ایران منطبق است و ایران و ایرانی، بر خلاف کشورهای تازه‌تأسیس آن روزگار، نیازی به جعل هویت ملی ندارد. حکومت پهلوی در پی ایجاد هویتی نو بود که

مطالعه تاریخ معماری و شهرسازی معاصر ایران بر مبنای اسناد علاوه بر آنکه به تحلیل دقیق‌تری از آن می‌انجامد، با در اختیار قرار دادن اسناد متقن، تعمیق و تدقیق بیشتر در مطالعات محققان دیگر را نیز میسر می‌سازد. سلسله مقاله‌های «معماری دوره پهلوی به روایت اسناد» با چنین مقصودی تهیه و در هریک از آنها، مسیر ساخت یکی از آثار برجسته معماری دوره پهلوی بر مبنای اسناد بررسی می‌شود.

نخستین نوشتار از این مجموعه به «آرامگاه فردوسی» اختصاص دارد که از نخستین بناهای باشکوه این دوره است. ساختن آرامگاهی برای فردوسی از زمان اوج‌گیری احساسات ملی در پی اشغال ایران در هنگام جنگ جهانی اول در میان اهل فرهنگ مطرح شده بود. در میان عامه نیز قرنها بود که فردوسی و کتاب سرگ او شاهنامه در زندگی و اندیشه مردم تنیده شده بود. از این رو، حکومت پهلوی اول می‌توانست با پیوند دادن فردوسی با گرایشهای خود به سمت ایران باستان، هم فرهیختگان و هم عامه مردم ایران را با سیاست فرهنگی خود همراه کند. اینکه نماینده زرتشتیان در مجلس شورای ملی را مأمور شناسایی مکان دفن فردوسی کردند نیز از این جهت شایسته تأمل است. در هر صورت، در سال ۱۳۰۵ش مکان تقریبی قبر فردوسی شناسایی شد و مالک زمین، آن را برای ساختن مقبره اهدا کرد. در مدتی کوتاه، مهندسان ایرانی و خارجی چندین طرح برای بنای آرامگاه تهیه کردند که از آن میان طرح کریم طاهرزاده بهزاد در سال ۱۳۰۸ش برگزیده شد. نقش سیاست‌مداران برجسته دوره رضاشاه در تعیین کیفیت و ماهیت این طرح و ضرورت شباهت آن با مقبره کوروش نیز از نظر آشکار کردن سیاستهای فرهنگی حکومت شایان تأمل است. طاهرزاده ساخت بنا را در همان هنگام آغاز کرد، اما مدتی بعد، کار احداث بنا به سبب ناخشنودی مسئولان از کیفیت و استحکام ساختمان متوقف و از نقشه طاهرزاده صرف نظر شد. طراحی بنا را به آندره گدار سپردند و برای تأمین هزینه آن اوزان مشارکت مردمی چاپ کردند. بروز مشکلات در تأمین هزینه‌ها فرصتی برای تجدید نظر در طرح گدار فراهم آورد و دوباره از طاهرزاده بهزاد خواستند طرحی نو در اندازد. این طرح در ۱۳۱۲ش به تصویب انجمن آثار ملی رسید و استاد حسین لرزاده سی‌ساله هم در ساختن آن شرکت داشت. بنای مقبره در سال ۱۳۱۳ش به پایان رسید و جشن هزاره فردوسی هم به همین مناسبت در همان سال برگزار شد. سی سال بعد که ساختمان بر اثر نشست در آستانه ویرانی بود، کار تجدید بنا را با طرحی تازه، به شرط حفظ حجم و نمای طرح دوره رضاشاه، به مهندس هوشنگ سیحون سپردند. اجرای این طرح در سال ۱۳۴۷ش به پایان رسید و در دهم اردیبهشت همان سال افتتاح شد.

علاوه بر تشخیص بخشیدن به ایران در رقابت با کشورهای نویای منطقه (که غالباً از تجزیه امپراتوری عثمانی پدید آمده بودند)، مدرن‌سازی کشور را آن‌چنان که او می‌فهمید تسهیل کند. باید رنگ اسلامی از این هویت زدوده می‌شد تا هم رابطه آن با گذشته گسسته شود و هم دست متدینان و رهبران دینی، که عوامل مزاحم حکومت و نوسازی مطلوب آن بودند، کوتاه گردد. این چنین بود که با روی کار آمدن سلسله پهلوی تغییرات و دگرگونیهای گسترده‌ای با «آمیزه‌ای از ملی‌گرایی کهن فرهنگی و قومی و اشتیاق شدید برای هر چیز تازه و خارجی»<sup>۲</sup> در عرصه‌های اجتماعی و فرهنگی کشور به وجود آمد.

با وقوع مشروطه در کمتر از دو دهه پیش از روی کار آمدن رضاشاه، اختیار سلطنت محدود و اندیشه سیاسی سلطنت متحول شده بود. با ناکام ماندن مشروطه، ناسیونالیسم ایرانی که از اجزای فکری روشن‌فکران، به منزله یکی از نقش‌آفرینان انقلاب مشروطه، محسوب می‌شد، بر اثر تجاوزها و دخالت‌های روس و انگلیس تحریف و تحقیر بسیار شد. بخشی از روشن‌فکران به قدرت رسیدن رضاشاه را، فارغ از مسیر آن، فرصتی برای پیشرفت تلقی و از آن حمایت کردند. آنان امیدوار بودند که آمال نافرجام خود در دوره مشروطه را به وسیله رضاشاه برآورده کنند. رضاشاه اگرچه از نظر خاستگاه اجتماعی و طبقاتی هیچ‌گونه نسبتی با روشن‌فکران نداشت، سلطنت خود را بر دوش برخی از روشن‌فکران بنیاد نهاد، تا به وسیله آنان اهداف خود را در نوسازی و نیز کوتاه کردن دست مدافعان سنتها، از هر قبیل، محقق سازد. از این رو رضاشاه و روشن‌فکران به رغم تفاوت در ماهیت و اهداف بلندمدتشان، در کوتاه‌مدت همراه و هم‌مسیر شدند.

پیداست که ایجاد هویت بدون اعتنا به تاریخ ممکن نیست و حتی ملیتهای معمولی که فاقد تاریخ واقعی‌اند، برای ایجاد هویت به ساختن تاریخ دست می‌زنند. دستگاه فرهنگی رضاشاه در مراجعه به تاریخ ایران با قرن‌ها تمدن و فرهنگ غنی اسلامی مواجه می‌شد که در قالب هویت مطلوب او نمی‌گنجید. از این رو مراجعه به تاریخ را با نادیده گرفتن دوران اسلامی ایران پی گرفت و معنای جدید «ایران باستان» از همین جا پدید آمد. با اتکا به مظاهر فرهنگی‌ای که یادآور ایران پیش از اسلام باشد، می‌توانستند بر هویت تاریخی ایران تکیه کنند، بدون

آنکه با فرهنگ اسلامی سروکار داشته باشند. بدین ترتیب اهداف فرهنگی حاصل از ترکیب ناسیونالیسم و مدرنیسم محقق می‌شد. این ناسیونالیسم باستان‌گرا در میان روشن‌فکران ایرانی بی‌سابقه نبود. در بسیاری از نوشته‌های دوره فاجاریه، از جمله آثار میرزا آقاخان کرمانی و میرزا فتح‌علی آخوندزاده، توجه به تاریخ و فرهنگ ایران باستان به چشم می‌خورد. آراء برخی از روشن‌فکران پس از مشروطه درباره ضرورت تغییر خط فارسی را نیز می‌توان از جمله این شواهد شمرد. چنین سابقه‌ای نیز بر توفیق سیاستهای جدید افزود.

شاه و سیاست‌گذاران روشن‌فکر دستگاه سلطنت نیک بر اهمیت جنبه‌های فرهنگی در ایجاد هویت جدید واقف بودند و می‌دانستند که این اندیشه باید در هنر و همه مظاهر فرهنگی، از لباس گرفته تا معماری، نمود داشته باشد. باید اندیشه جدید در قالب مظاهر فرهنگی به ظهور می‌رسید تا رفته‌رفته به هویت ملی بدل می‌شد. دستگاه فرهنگی حکومت با چنین منظوری به نهادسازی و نمادسازی پرداخت و بر ادبیات، تاریخ، آداب و رسوم، هنر و معماری تأثیر گذاشت. این سیاست با جریان غالب شرق‌شناسی در میان محققان و مورخان اروپایی نیز هم‌اهنگی داشت. شرق‌شناسان در صدد شناختن همان ایرانی بودند که روزگاری در برابر یونان و روم قد برافراشته بود؛ و این ایران چیزی جز ایران باستان نبود. از این رو آنان نیز در تحقیقات خود ایران پس از اسلام را غالباً نادیده می‌گرفتند. دولتهای غربی نیز که پیش از این تأکید بر هویت ایرانی را بر نمی‌تافتند، در آن زمان در مقابل خطرها و تهدیدهای ناشی از گسترش کمونیسم، از ناسیونالیسم باستان‌گرایانه ایرانی حمایت می‌کردند و آن را دامن می‌زدند.

در واقع تا پیش از آن، میراث ایران قبل و بعد از اسلام یکسره میراث فرهنگی ایران تلقی می‌شد. اما سیاست‌مداران دوره پهلوی اول می‌کوشیدند با مقابل هم قرار دادن میراث اسلام و ایران، میراث ایران بدون اسلام را مظهر شکوه و اقتدار ملی و تفاخر جهانی قلمداد کنند و میراث اسلام را سد راه پیشرفت و دستیابی به جهان مدرن و مترقی نشان دهند.<sup>۳</sup> پیداست که این سیاست رنگ غالب فعالیتهای فرهنگی در آن دوره را تعیین می‌کرد و اگر از مظاهر فرهنگ ایران دوره اسلامی هم یاد می‌شد

به صورتی بود که با این رنگ غالب معارضه نداشته باشد. این چنین بود که حتی به شخصیت‌های برجسته اسلامی ایران (همچون ابن سینا) نیز رنگ ایرانی محض می‌زدند و وجهه اسلامی آنان را می‌زدودند.

### انجمن آثار ملی و اندیشه ایجاد بنای آرامگاه فردوسی

برخی از فعالیتهای «انجمن آثار ملی» با عنایت به چنین سیاستی قابل فهم است. این انجمن که در سال ۱۳۰۱ش با ریاست محمدعلی فروغی (ذکاءالملک) و نیابت سیدحسن تقی‌زاده تأسیس شده بود، با تثبیت حکومت رضاشاه فعالیتهای خود را گسترش داد. وظیفه اصلی این انجمن حفظ و مرمت بناهای تاریخی و تجلیل از رجال فرهنگی و ادبی کشور بود. انجمن در نخستین فعالیتهای خود به تجلیل از حکیم ابوالقاسم فردوسی پرداخت. فردوسی از منظر دستگاه سیاسی و فرهنگی پهلوی، مسلمانی نبود که عناصر ملی ایرانی را احیا کرده بود؛ بلکه مظهر ایرانیگری در برابر عربها، مسلمانان و ترکان بود. از این رو بود که زرتشتیان را در بزرگداشت او شرکت می‌دادند و کارگزاران فرهنگی پهلوی او را سرپلی می‌دانستند که می‌توان با تکیه بر او از شکاف دوره اسلامی گذشت و به ایران پیش از اسلام رسید.

ساخت آرامگاه حکیم ابوالقاسم فردوسی از نخستین تصمیمات مهم انجمن بود. درخصوص این اقدام انجمن باید کمی به عقب بازگشت و پیشینه آن را قبل از دوره رضاشاه جستجو کرد. پس از جنگ جهانی اول و اشغال ایران به دست نیروهای متخاصم و بالاگرفتن احساسات ملی در کشور، در مجامع و مطبوعات مطالبی در خصوص لزوم ساخت آرامگاهی باشکوه برای فردوسی مطرح شد. ملک‌الشعرا بهار در سال ۱۲۹۹ش در مقاله‌ای در هفته‌نامه نوبهار از ضرورت بنای آرامگاهی در خور مقام و منزلت فردوسی سخن گفت.<sup>۴</sup> قبلاً در دوره قاجاریه، در زمان حکمرانی میرزا عبدالوهاب‌خان شیرازی (آصف‌الدوله) بر خراسان، به دستور وی در نوبران طوس، در محلی که براساس قراین و شواهد و تحقیقات هیئت فرانسوی مدفن فردوسی شناخته شده بود، بنایی از خشت و گل ساخته بودند.<sup>۵</sup> البته پیش از آن بارها محل دفن فردوسی را بدخواهان وی از جمله عبیدالله‌خان ازبک ویران و بر قبر او

زراعت کرده بودند.<sup>۶</sup>

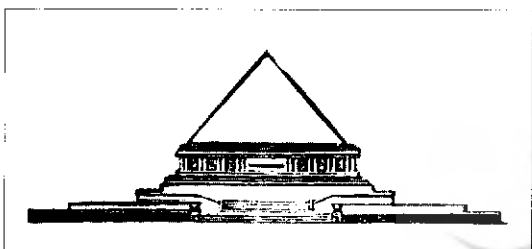
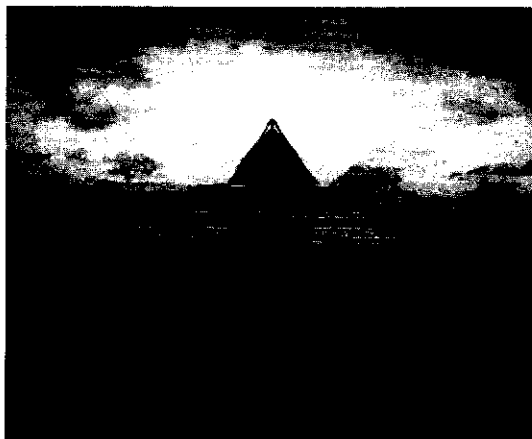
انتخاب فردوسی، شاعر حماسه‌سرای ایران، در انجمن آثار ملی خود نکته ظریفی است. فردوسی را احیاکننده تاریخ و فرهنگ باستانی ایران می‌شناختند که در دوره تسلط ترکان غزنوی مقابله فرهنگی خویش را با سرودن اثر جاودانه خود شاهنامه آغاز کرد. فردوسی و شاهنامه‌اش علاوه بر نخبگان در نزد توده‌های مردم نیز نام‌آشنا بودند. در محافل سنتی عامه همچون زورخانه‌ها اشعار شاهنامه بر سر زبان مرشدان بود و حکایات حماسی آن را نقالان و پرده‌خوانان برای مردمان کوچه و بازار نقل می‌کردند. از همین رو فردوسی فصل مشترک عامه و کارگزاران فرهنگی رژیم پهلوی در ایجاد هویت جدید مبتنی بر ناسیونالیسم باستان‌گرا بود.

### نخستین طرحهای بنای آرامگاه

بر این اساس در بهار ۱۳۰۵ش انجمن آثار ملی هیئتی را به سرپرستی ارباب کیخسرو شاهرخ، خزانه‌دار انجمن آثار ملی و نماینده زرتشتیان در مجلس شورای ملی، مأمور شناسایی محل دقیق دفن فردوسی در طوس کرد. کیخسرو شاهرخ با مساعدت والی خراسان (محمود جم)، فرمانده لشکر شرق (امان‌الله جهانیانی)، نایب‌التولیه آستان قدس رضوی (محمدولی اسدی) و معمرین طوس موفق به شناسایی محل آرامگاه فردوسی شد. در گزارش این مأموریت به انجمن آمده است:

چون نظامی عروضی در کتاب چهارمقاله نقل کرده است که فردوسی را در باغ خودش به‌خاک سپردند و به سال ۵۱۰ هجری شخصاً قبر او را زیارت کرده و امروز باغ حاج مقام‌التولیه طبق نظر عموم مردم طوس همان باغ فردوس است، لذا در باغ مذکور به تجسس پرداختند و تختگاهی یافتند که پس از خاک‌برداری، آثار قبر ظاهر گردید. بنا بر این همان تختگاه که طول آن شش متر و عرضش پنج متر است، مدفن فردوسی است.<sup>۷</sup>

پس از مشخص شدن محل قبر فردوسی، زمین آن به مساحت ۲۳ هزار مترمربع در اراضی مزرعه اسلامییه و در مالکیت حاج میرزا محمدعلی قائم‌مقام رضوی بود؛ و او آن را در تاریخ ۲۶ دی ۱۳۰۶ش برای بنای آرامگاه اهدا کرد.<sup>۸</sup> فرزندان ملک‌التجار نیز هفت هزار مترمربع از اراضی جنب مزرعه مذکور را هدیه کردند.<sup>۹</sup> بدین ترتیب زمینی با



خرج شده و جز شفته‌کاری زیر بنا و تهیه قدری سنگهای بی‌استقامت سست، کار دیگری نشده و شفته‌کاری به‌طوری سست بود که من با پنجه آنها را می‌کندم. از طرفی هر قدر از آقای طاهرزاده توضیح می‌خواستم که به چه نحو این ساختمان انجام خواهد شد که از دوام آن اطمینان حاصل باشد، چون نتوانست جواب قانع‌کننده‌ای بدهد لهذا [...] از نقشه طاهرزاده و مداخله مشارالیه صرف‌نظر [...] شد»<sup>۱۴</sup>

طاهرزاده در اعتراض به این تصمیم نامه‌ای به تیمورتاش نوشت. او ابتدا از علاقه تیمورتاش نسبت به این کار گفت: «چاکر یقین دارم که علاقه حضرت اشرف به مقام بلند فردوسی و مقبره آن مرد بزرگ از همه ایرانیها بیشتر است، به دلیل اینکه هم‌وطن شاعر بزرگ طوس هستید»<sup>۱۵</sup> سپس از تکرار تجربه مقبره نادرشاه بی‌بیم داد و از ترجیح طرحش بر دیگر طرحهای ارائه شده گفت:

لازم می‌دانم توجه آن وجود محترم را به چگونگی مقبره آن دانشور بزرگ جلب کنم که مبدا مثل مقبره نادر عاری از تمام مزایا درست شود! تاریخ تهیه نقشه بدین قرار است: در نتیجه مسابقه، انجمن محترم آثار ملی نقشه چاکر را به نقشه‌های آقای هرتزفلد و آقای پروفوسور گدار<sup>(۱)</sup> و غیره ترجیح داده و مسئله را از طرف انجمن



مساحت ۳۰ هزار مترمربع به این کار اختصاص یافت. گویا طراحی بنای آرامگاه فردوسی را به مسابقه گذاشته بودند، زیرا چندین نفر از معماران داخلی و خارجی طرحهایی برای آن عرضه کردند. ارنست هرتسفلد<sup>(۱)</sup> که خود از اعضای افتخاری انجمن آثار ملی بود، اولین طرح را عرضه کرد. این طرح گنبدوار که بیشتر شبیه آرامگاههای مذهبی بود، نظر موافق انجمن را جلب نکرد.<sup>۱۶</sup> به نظر می‌رسد انجمن از همان ابتدا در صدد ساخت بنایی به سبک معماری ایران پیش از اسلام بوده است، چنان‌که چنین ایده‌هایی را می‌توان در آثار دیگر دوره رضاشاه، مانند ساختمان موزه ایران باستان مشاهده کرد. در این میان تیمورتاش، وزیر دربار رضاشاه، نیز در خصوص سبک ساختمان آرامگاه فردوسی معتقد بود «خدمات فردوسی را نسبت به حفظ ملیت ایران و ایجاد وحدت ملی باید با خدمات کورش کبیر مشابه دانست و مزارش نیز باید شبیه آرامگاه آن شاهنشاه باشد»<sup>۱۷</sup>

طرح دیگر متعلق به کریم طاهرزاده بهزاد بود که ستونها و سرستونهای آن را به سبک و اسلوب معماری تخت جمشید طراحی کرده بود. این طرح را هیئتی که از طرف انجمن آثار ملی مأمور بررسی طرحهای پیشنهادی شده بود، در مهرماه ۱۳۰۸ ش تصویب کرد و به اطلاع بهزاد رساند.<sup>۱۸</sup> بهزاد نیز بلافاصله عملیات ساخت آرامگاه را آغاز کرد. چند ماهی از شروع کار براساس نقشه بهزاد نگذشته بود که سیدحسن تقی‌زاده، والی جدید خراسان، طی نامه‌ای به کیخسرو شاهرخ خبر از وضع نامناسب ساختمان داد.<sup>۱۹</sup> بنا بر این کیخسرو شاهرخ به اتفاق بهزاد از تهران عازم مشهد شد. او در این خصوص می‌نویسد:

در ورود به مشهد و رفتن به طوس هم دیدم مبالغی

ت (۱) ارنست، کریم طاهرزاده بهزاد (منسوب)، طرح اول آرامگاه فردوسی، پس از ۱۳۰۵ ش. مأخذ تصویر: شافعی و دیگران، معماری کریم طاهرزاده بهزاد، ص ۵۴. بنا بر آنچه در این مأخذ از مجله ایران‌شهر، ش ۱۰، نقل شده، این تصویر طرح بهزاد است، اما مطابق آنچه طاهرزاده بهزاد در نامعاش به تیمورتاش آورده (نگ): ت (۲)، این تصویر طرح هرتسفلد را نشان می‌دهد.

ت (۲) چپ بالا)، آندره گدار، طرح دوم برای آرامگاه فردوسی، ۱۳۰۸ ش، مأخذ تصویر: شافعی و دیگران، همان، ص ۵۹.

ت (۳) چپ پایین)، آندره گدار، طرح دوم برای آرامگاه فردوسی، ۱۳۰۸ ش، مأخذ تصویر: شافعی و دیگران، همان، ص ۵۹.

(1) Ernst Herzfeld

(2) André Godard



**مدیر و مامور**  
**اداره ساختن بزازک**

مقام متبع وزارت جلیله دربار پهلوی دامت شوکته  
 محترماً سواد مرقومه تولیت جلیله را در ذیل به نظر مبارک  
 می‌رساند. حقیر: طاهرزاده بهزاد

پس از عنوان:  
 اکنون که خودتان طهران هستید لازم است برای گرفتن نقشه  
 مرتسمه که به تصدیق و امضای آقایان اعضاء کمیسیون مأمور این  
 کار رسیده است (!!!) با صورت پیش‌بینی مخارج که تسلیم نموده‌اید،  
 هر دو را با تصویب وزارت جلیله دربار پهلوی در مراجعت با  
 خودتان به مشهد بیاورید که در آینده اشکالی روی ننماید.

نیابت تولیت آستان قدس  
 امضای آقای اسدی

تیمورتاش در حاشیه نامه نوشته است: «این نقشه بالاخره  
 کجاست؟»

تاریخ تأسیس ۱۳۰۰  
 شماره سند ۱۳۰۸/۷/۲۴

نام متبع وزارت جلیله دربار پهلوی دربار پهلوی  
 شماره سند ۱۳۰۸/۷/۲۴  
 تاریخ تأسیس ۱۳۰۰

تاریخ ۱۳۰۸/۷/۲۴  
 امضا: تیمورتاش

۵. رونوشت نامه  
 شماره ۶۰۰۴ مورخ  
 ۱۳۰۸/۷/۲۴ از  
 نایب‌التولیت آستان قدس  
 رضوی خطاب به بهزاد،  
 که بهزاد سواد آن را  
 به تیمورتاش فرستاده  
 است، ۲۳ مهر ۱۳۰۸ش،  
 پرونده ش ۵۶۳۹. اسناد  
 وزارت دربار،  
 آرشیو مرکز اسناد  
 ریاست جمهوری

این زمان از آندره گدار، دیگر عضو افتخاری انجمن آثار ملی، خواستند طرح جدیدی تهیه کند. طرح هرم‌شکل آندره گدار با مخالفت انجمن آثار ملی مواجه شد و ظاهراً نظر محمدعلی فروغی در این مخالفت مؤثر بوده است که گفته بود «ما عرب نیستیم که اهرام را بسازیم و بهتر است که طرح آرامگاه فردوسی یک ایده ایرانی داشته باشد»<sup>۱۸</sup> اما علی‌رغم نظر انجمن، تیمورتاش با اعمال تغییراتی در طرح گدار با آن موافقت کرد.<sup>۱۹</sup> سمائیلوف، مهندس روس، نیز که کمترین هزینه را برای اجرای طرح گدار پیشنهاد کرده بود (حدود ۲۸،۹۰۰ تومان) در تیرماه ۱۳۰۸ش مأمور اجرای این طرح شد.<sup>۲۰</sup>

هزینه‌های ساخت بنای آرامگاه و تغییر طرح آن در خصوص تأمین اعتبار مورد نیاز بنای آرامگاه فردوسی، در نظر بود هزینه آن با کمک مردم و نه بودجه دولت تأمین شود تا «عموم افراد ملت در این امر ملی شرکت جویند، تا ضمناً وطن‌خواهی آنان بیشتر بیدار شود و به ارزش و اهمیت فرهنگ خود و مقام بزرگان ایران بیشتری بپردازند»<sup>۲۱</sup> در واقع کارگزاران سیاسی و فرهنگی رژیم پهلوی درصدد بودند از این اقدام نمادین در جهت ایجاد هویت جمعی بهره ببرند. بر این اساس در مهرماه ۱۳۰۴ش ورقه استمداد انجمن آثار ملی برای شروع بنای مقبره فردوسی منتشر شد. جمع‌آوری اعانه از اول مهرماه ۱۳۰۴ش شروع شد و تا آخر بهمن ماه ادامه داشت. مبلغ اعانه حداقل و حداکثر نداشت و هرکس برحسب استطاعت خود می‌توانست کمک کند.<sup>۲۲</sup> انجمن آثار ملی از عیسی صدیق، رئیس مدرسه متوسطه سیروس، نیز تقاضا کرد تا در جمع‌آوری اعانه یاری رساند. وی نیز با توزیع قبضه‌های اعانه بین دانش‌آموزان مدرسه مذکور در حدود ۱۳۰۰ تومان جمع‌آوری کرد و به کیخسرو شاهرخ، خزانه‌دار انجمن، تحویل داد.<sup>۲۳</sup>

علاوه بر فراخوان عمومی، تجار و متمولان را نیز برای تأمین هزینه ساخت آرامگاه فردوسی به کمک فراخواندند و افرادی همچون حاج سیدابوالقاسم کازرونی، میرزا محمد قرشی، امیر شوکت‌الملک، رئیس‌التجار، امیر تیمور کلان، قوام شیرازی، حاج حسین آقا ملک، وهاب‌زاده، سیدحیدر بربری، قائم‌مقام رضوی، جلیل‌بیک نصیربیک‌اوف و محمدولی اسدی از ۵۰۰ تا ۱۰۰۰ تومان<sup>۲۴</sup> و حاج محمدرضا بهبهانی ۲۰۰۰ تومان کمک کردند.<sup>۲۵</sup> گویا کمک بعضی از این اشخاص به میل و رغبت نبوده است، چنان‌که در گزارش نیابت تولیت آستان قدس رضوی به وزارت دربار آمده «... مستدعی است به هر طریق که رأی مبارک باشد مقرر فرمایید در وصول وجوه ثقیلی آقایانی که از پرداخت تعلل دارند، اقدام به عمل آید»<sup>۲۶</sup> حاج مستشارالسلطنه نیز که از ثروتمندان و اعیان درجه اول خراسان بود و در جمع‌آوری اعانه از قلم افتاده بود، علی‌رغم مکاتبه شخص تیمورتاش

۱۳۰۴ش شروع شد و تا آخر بهمن ماه ادامه داشت. مبلغ اعانه حداقل و حداکثر نداشت و هرکس برحسب استطاعت خود می‌توانست کمک کند.<sup>۲۲</sup> انجمن آثار ملی از عیسی صدیق، رئیس مدرسه متوسطه سیروس، نیز تقاضا کرد تا در جمع‌آوری اعانه یاری رساند. وی نیز با توزیع قبضه‌های اعانه بین دانش‌آموزان مدرسه مذکور در حدود ۱۳۰۰ تومان جمع‌آوری کرد و به کیخسرو شاهرخ، خزانه‌دار انجمن، تحویل داد.<sup>۲۳</sup>

علاوه بر فراخوان عمومی، تجار و متمولان را نیز برای تأمین هزینه ساخت آرامگاه فردوسی به کمک فراخواندند و افرادی همچون حاج سیدابوالقاسم کازرونی، میرزا محمد قرشی، امیر شوکت‌الملک، رئیس‌التجار، امیر تیمور کلان، قوام شیرازی، حاج حسین آقا ملک، وهاب‌زاده، سیدحیدر بربری، قائم‌مقام رضوی، جلیل‌بیک نصیربیک‌اوف و محمدولی اسدی از ۵۰۰ تا ۱۰۰۰ تومان<sup>۲۴</sup> و حاج محمدرضا بهبهانی ۲۰۰۰ تومان کمک کردند.<sup>۲۵</sup> گویا کمک بعضی از این اشخاص به میل و رغبت نبوده است، چنان‌که در گزارش نیابت تولیت آستان قدس رضوی به وزارت دربار آمده «... مستدعی است به هر طریق که رأی مبارک باشد مقرر فرمایید در وصول وجوه ثقیلی آقایانی که از پرداخت تعلل دارند، اقدام به عمل آید»<sup>۲۶</sup> حاج مستشارالسلطنه نیز که از ثروتمندان و اعیان درجه اول خراسان بود و در جمع‌آوری اعانه از قلم افتاده بود، علی‌رغم مکاتبه شخص تیمورتاش



به ریاست ابراهیم حکیم‌الملک، نایب‌رئیس حسین علاء و دبیری عیسی صدیق و عضویت کیخسرو شاهرخ، عبدالحسین نیک‌پور (نماینده مجلس شورای ملی و رئیس اتاق بازرگانی) و مصطفی فاتح (معاون شرکت نفت ایران و انگلیس) تشکیل شد. این هیئت با کمک نمایندگان رسمی دادگستری، بانک ملی، شهرداری و شهربانی تهران جلساتی در دارالمعلمین عالی تشکیل داد و توانست با فروش بلیت، وجه مورد نیاز را تهیه کند و جمعاً با مبلغ ۱۴۰ هزار تومان ساختمان آرامگاه فردوسی را در نیمه اول سال ۱۳۱۳ش به پایان برساند.<sup>۲۸</sup>

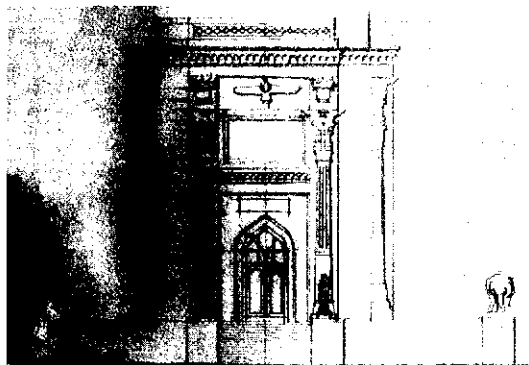
### جشن هزاره فردوسی

در تاریخ ۵ اسفند ۱۳۰۹ش حسین علاء (سفیر ایران در پاریس) در نامه‌ای به سیدحسن تقی‌زاده (عضو انجمن آثار ملی و وزیر مالیه) اعلام کرد که اعضای «انجمن مطالعات راجعه به تمدن و صنایع ایران و علما و دانشمندان و مستشرقین فرانسوی» از وی تقاضا کرده‌اند که با توجه به مشخص نبودن تاریخ دقیق تولد فردوسی، دولت ایران پس از مشورت با علما و مستشرقین تاریخ تولدی را به صورت تخمینی برای برگزاری جشن هزارساله زادروز فردوسی و تجلیل از مقام والای او معین کند تا فرانسه و انجمن مذکور مرکز این اقدام در اروپا باشد.<sup>۲۹</sup> تقی‌زاده در جواب این درخواست پاسخ داد:

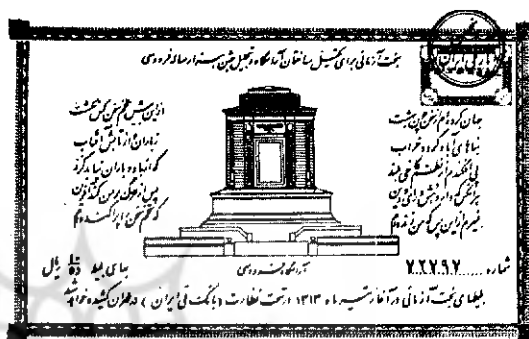
بهترین اقدام در این باب به نظر این جانب آن است که به مناسبت اتمام عمارت مقبره فردوسی که سال آینده امید است تمام شود، جشنی برپا شود؛ چه نه از تولد و از وفات فردوسی حتماً نصد یا هزار سال نمی‌گذرد. وفاتش در سنه ۴۱۱ یا ۴۱۶ بوده که ۲۹۹ شمسی یا ۴۰۳ شمسی می‌شود و تولدش را هم نباید قبل از ۲۳۰ گذاشت که ۳۲۰ شمسی می‌شود، بلکه شاید در حدود ۳۲۵ باشد. لهذا اختتام بنای مقبره وسیله خوبی خواهد بود.<sup>۳۰</sup>

بدین ترتیب با پیشنهاد تقی‌زاده و تصویب دولت مقرر شد هم‌زمان با افتتاح آرامگاه فردوسی کنگره و جشن هزاره فردوسی نیز برگزار شود.

این کنگره که نخستین اجتماع علمی بین‌المللی در ایران بود، با حضور چهل نفر از اندیشمندان و مستشرقان از هفده کشور خارجی و جمعی از محققان و ادیبان ایرانی در روز پنجشنبه ۱۲ مهر ۱۳۱۳ش در تالار بزرگ مدرسه



۷. کریم طاهرزاده بهزاد، طرح سوم آرامگاه فردوسی. ۱۳۱۱ش، مأخذ تصویر: شافعی و دیگران، همان، ص ۶۰



۸. بلیت بخت آزمایی که انجمن آثار ملی برای تأمین هزینه‌های آرامگاه و جشن هزاره فردوسی منتشر کرد. ۱۳۱۲ش، تهران، بایگانی انجمن آثار و مفاخر فرهنگی (انجمن آثار ملی)

هزینه‌های آن بود که یکی از علل این افزایش هزینه تغییر نوع سنگ‌های آن بود. ابتدا قرار بود ساختمان را از سنگ‌های سیاهی بسازند که از کوه‌های نزدیک طوس به دست می‌آید؛ اما در شروع کار تصمیم گرفتند تمام ساختمان را از سنگ سفید معدن خلیج بسازند. این معدن در یک فرسخی مشهد است و تا طوس شش فرسخ فاصله دارد.<sup>۳۶</sup>

کل مبلغی که تا شهریور ۱۳۱۱ش برای ساختمان مقبره فردوسی هزینه شد بالغ بر ۶۷۸،۷۱۵ ریال و ۸۵۰ قران بود. از این مبلغ ۱۸۲،۳۸۹ ریال و ۳۵۰ قران برای اجرت بنا و عملیات و مباشر و مهندسی، ۱۴۷،۹۵۹ ریال و ۲۵۰ قران برای مصالح، ۲۶۹،۰۷۶ ریال برای قراردادهای سنگ‌تراشی به وسیله استادحسین حجارباشی، ۷۰،۴۰۵ ریال و ۴۰۰ قران بابت اجرت سنگ‌های تراشیده به‌طور امانی و ۸،۸۸۵ ریال و ۸۵۰ قران باقی‌مانده نیز برای کارهای متفرقه هزینه شد.<sup>۳۷</sup>

سراخجام این وضع نایسامان تأمین هزینه‌ها موجب شد که انجمن آثار ملی در سال ۱۳۱۲ش تصمیم بگیرد از راه بخت‌آزمایی ۷۰ هزار تومان کسری بودجه لازم را برای اتمام ساختمان آرامگاه براساس نقشه جدید بهزاد تأمین کند. بدین منظور هیئت مدیره بخت‌آزمایی فردوسی



(3) Henri Massé  
(1886-1969)

(4) Arthur  
Christensen

دوست عزیزم

اعضا، انجمن مطالعات راجعه به تمدن و صنایع ایران و علما و دانشمندان و مستشرقین فرانسوی از بنده تقاضا کرده‌اند راجع به جشن هزارساله تولد فردوسی توجه دولت ایران را جلب نمایند. اگرچه تعیین تاریخ تولد آن بزرگوار مشکل است، ولی همین قدر می‌خواهند دولت ایران یک تاریخ تحسینی (پس از مشورت با علما و مستشرقین) برای آن قائل شود که از حالا در اینجا مشغول تهیه جشنی بشوند. چون مقام فردوسی خیلی بلند و تمام دنیا علاقه به تجلیل او دارد. انجمن مطالعات راجعه به تمدن و صنایع ایران در فرانسه نظر دارد مرکز اقدامات محافل اروپا و آمریکا شده مطابق پروگرامی که قبلاً به تصویب دولت ایران خواهد رسید اقدام نماید. متنی است در این باب اقداماتی فرموده نظریه و نتیجه را به بنده ابلاغ فرمایید.

حسین علاء

ت. ۹. نامه حسین علاء،  
سفیر وقت ایران در  
فرانسه، به سیدحسن  
تقی‌زاده، عضو انجمن  
آثار ملی و وزیر مالیه،  
در خصوص تعیین زمان  
هزاره زادروز فردوسی،  
۵ اسفند ۱۳۰۹، پرونده  
ردیف ۲۴۰۰۵۷۹۸،  
آرشیو سازمان اسناد و  
کتابخانه ملی ایران

جواب نوشته شود

بهترین اقدام در این باب به نظر این‌جانب آن است که به مناسبت اقامت عمارت مقبره فردوسی که سال آینده امید است تمام شود، جشنی برپا شود؛ چه نه از تولد و از وفات فردوسی حتماً نصد یا هزار سال نمی‌گذرد. وفاتش در سنه ۴۱۱ یا ۴۱۶ بوده که ۳۹۹ شمسی یا ۴۰۳ شمسی می‌شود، و تولدش را هم نباید قبل از ۳۲۰ گذاشت که ۲۲۰ شمسی می‌شود، بلکه شاید در حدود ۳۲۵ باشد. لذا اختتام بنای مقبره وسیله خوبی خواهد بود.



حضرت سیدحسین علی‌احمدی  
وزیر معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه  
توقیر فرمودند که در خصوص جشن  
هزاره زادروز فردوسی، در تاریخ  
۱۳۱۴، در تهران، در محل  
مقبره فردوسی، جشنی  
برپا شود. این جشن  
در روز شنبه ۱۳۱۴  
در محل مقبره  
فردوسی در  
تهران برپا  
گردد.

تاریخ تولد فردوسی  
تقریباً ۴۱۱ یا ۴۱۶  
شمسی می‌شود.  
وفاتش در سنه  
۳۲۰ یا ۳۲۵  
شمسی می‌شود.  
لذا اختتام بنای  
مقبره وسیله خوبی  
خواهد بود.

۱۶ مهر ۱۳۱۳ش خاتمه یافت و در بعدازظهر ۲۰ مهر ۱۳۱۳ش با حضور حدود دویست تن از مدعوین در طوس، آرامگاه فردوسی، با سخنرانی رضاشاه افتتاح شد.<sup>۴۴</sup> رضاشاه پیش از این، در سفری هم که در سال ۱۳۱۰ش به شمال و شمال شرق کشور کرده بود، ضمن بازدید از مراحل ساخت آرامگاه فردوسی آرزو کرده بود پس از مرگش برای وی نیز آرامگاهی همچون آرامگاه فردوسی بسازند. او بر مزار فردوسی گفته بود:

معلوم می‌شود فردوسی شخص بزرگی بوده که بعد از نزدیک به هزار سال چنان آثار بزرگی بر سر مقبره او برپا می‌شود و شخصی مثل ارباب کیخسرو هم مأمور ساختمان و به واقع متولی این کار است. آیا بشود روزی که برای من چنان آثاری گذارده شود؟<sup>۴۵</sup>

مهمانان کنگره به مدت چهار روز در مشهد اقامت کردند و مراسم مذکور با اهدای مدال مخصوص یادبود هزاره فردوسی از طرف انجمن آثار ملی به آنان و بازگشت مهمانان به تهران خاتمه یافت.<sup>۴۶</sup> هم‌زمان با برگزاری جشنهای هزاره فردوسی در شهرهای مختلف ایران، چنین مراسمی در نقاط مختلف جهان از جمله هندوستان، انگلستان، مصر، آمریکا، اتحاد جماهیر شوروی، آلمان، سوئد، بلژیک، و فرانسه برگزار شد.<sup>۴۷</sup> همچنین افرادی همچون عباس

دارالفنون با سخنرانی محمدعلی فروغی، نخست‌وزیر و رئیس انجمن آثار ملی، افتتاح شد.<sup>۴۱</sup> حاج محتشم السلطنه اسفندیاری ریاست کنگره را بر عهده داشت و عیسی صدیق دبیر آن بود. هیئت رئیسه کنگره نیز متشکل از پروفیسور هانری ماسه<sup>۴۲</sup>، پروفیسور آرتور کریستنسن<sup>۴۳</sup>، محتشم السلطنه اسفندیاری، عیسی صدیق و عبدالوهاب عزام بود.<sup>۴۴</sup>

کنگره فردوسی هفت جلسه عمومی داشت که در آنها مقالاتی در موضوعات مختلف از جمله هنرهای زیبای ایران در عصر فردوسی، مقام شاهنامه در ادبیات دنیا، و نفوذ فردوسی در هندوستان به زبانهای فارسی، انگلیسی و فرانسه عرضه شد. در اواسط سال ۱۳۱۴ش این مقالات را اداره کل نگارش وزارت فرهنگ آماده چاپ کرد. در میان مقالات مقاله‌ای از سیدحسن تقی‌زاده تحت عنوان «جنبش ملی ادبی» بود که در آن عبارت «توسل به قوای اجباری و ملاحظه شمشیر در کار قلم خلاف ذوق و متانت ایرانی است» به مذاق رضاشاه خوش نیامد. از این رو چاپ مجموعه مقالات به تعویق افتاد و در نه سال بعد (دی‌ماه ۱۳۲۲ش) که دیگر رضاشاه بر اریکه قدرت نبود، تحت عنوان هزاره فردوسی چاپ و منتشر شد.<sup>۴۵</sup>

جلسات کنگره فردوسی در تهران در روز دوشنبه

آن و ایجاد شکاف و رطوبت دائم یکسره منهدم شود.<sup>۵۰</sup> تا سال ۱۳۲۷ش که شعبه انجمن آثار ملی در خراسان تأسیس شد، مبلغ ۵۵۰ هزار ریال هزینه تعمیر و رفع نواقص آرامگاه فردوسی شده بود.<sup>۵۱</sup> این وضعیت ادامه یافت، تا اینکه در پانزدهم تیرماه ۱۳۴۲ش استاندار وقت خراسان، امیر عزیزی، در نامه‌ای به انجمن آثار ملی دربارهٔ این وضع اسف‌بار نوشت:

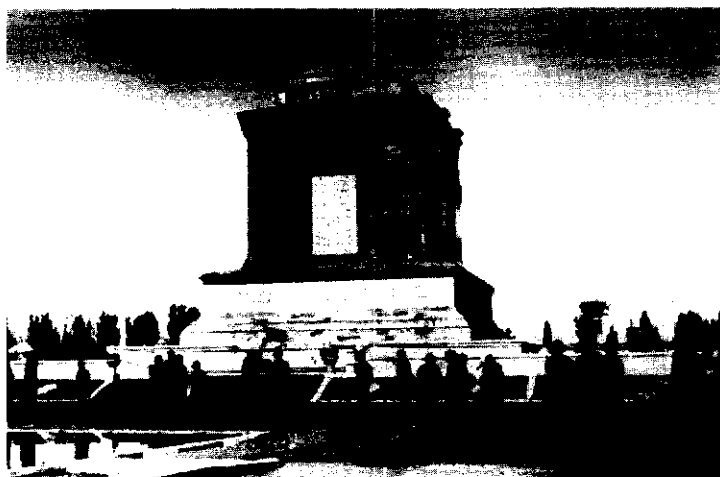
در ظرف ده ماهی که اینجانب در مشهد هستم، مسافرین و زائرانی که از آرامگاه فردوسی بازدید کرده‌اند، مکرر حضوری یا تلفنی و یا کتبی وضع بسیار زنده آن را یادآور شده‌اند [...] بهتر است دستور داده شود که تا هنگامی که در بنا تعمیرات اساسی نشده است، از ورود مسافران و بازدیدکنندگان در آرامگاه جلوگیری شود.<sup>۵۲</sup>

ادارهٔ کل باستان‌شناسی نیز پنج ماه بعد، در هجدهم آذرماه، در خصوص وضع نامطلوب آرامگاه فردوسی نامه‌ای به انجمن آثار ملی نوشت.<sup>۵۳</sup>

چنین نامه‌های هشداردهنده‌ای موجب شد که انجمن آثار ملی در تاریخ هفدهم آذرماه ۱۳۴۲ مهندس هوشنگ سیحون و حسین جودت را مأمور مطالعه و بررسی چگونگی تجدید بنای آرامگاه فردوسی با حفظ کامل نمای بیرونی آن کند. این دو تن به اتفاق مهندس نکو، مهندس شرکت کا. ژ. ت.، پس از بازدید و بررسی اعلام کردند:

برای تجدید بنای آرامگاه باید اولاً پیش از خراب کردن، نقشه‌های دقیق و عکسهای روشنی از آن برداشته شود تا پس از تجدید بنا نمای خارجی آن با وضع فعلی تفاوت نکند. ثانیاً زیر بنای آرامگاه و زیر صفت آن به ابعاد ۳۰ × ۳۰ متر خالی گردد. ثالثاً در سراسر قسمت زیرین بنا رادیه ژنرال از بتون آرمه تعبیه گردد که بعدها حتی در حوادث احتمالی از قبیل زلزله و غیره نیز بنا نشست نکند و شکست نیابد. رابعاً قسمت داخل گنبد آرامگاه بکلی خالی شود؛ آن‌گاه از داخل، ارتفاعی در حدود ۱۴ متر خواهد داشت که سقف و بدنهٔ آن کاشی‌کاری خواهد شد.<sup>۵۴</sup>

گویا حکومت پهلوی حاضر نبود بنایی را که نمادی از باستان‌گرایی دورهٔ رضاشاه تلقی می‌شد، به‌سادگی تخریب و تجدید بنا کند. به همین علت پس از مکاتبات انجمن آثار ملی با دفتر مخصوص شاهنشاهی و موافقت شخص محمدرضاشاه با تجدید بنای آرامگاه که در تاریخ



ت ۱۰. مراسم افتتاح آرامگاه فردوسی که بر اساس طرح سوم طاهرزاده جهزاد ساخته شد، طوس، ۱۳۱۳ش

اقبال آشتیانی، علامه محمد قزوینی و سیدحسین تقی‌زاده با کمک سفارتخانه‌های ایران در خارج اقدام به شناسایی نسخ شاهنامه در کتابخانه‌های خارج و داخل کشور نموده و شاهنامه فردوسی که نسخ چاپی آن تا آن زمان کمیاب و گران بود، چاپ و در اختیار عموم مردم قرار گرفت.<sup>۵۵</sup>

### تجدید بنای آرامگاه

چون در آن زمان سطح دانش معماری پایین بود و سازندگان بنا با فنون آزمایش خاک و محاسبه سنگینی بنایی عظیم با ارتفاع هجده متر آشنا نبودند و از آبهای زیرزمینی منطقه اطلاع نداشتند، بنای آرامگاه مدت کوتاهی پس از ساخت شروع به نشست کرد. در گزارشی که انجمن آثار ملی در آبان ۱۳۰۹ش در هنگام احداث بنا به وزارت دربار داده بود به این نکته اشاره کرده بود که

مباشری بر طبق نقشه [ای] که در دست دارند عمل کرده و در خوبی بنا و انتخاب سنگ و امتیاز مصالح قصور نشده، ولی [این] نقشه گمان می‌کنم غیر از آن نظریه بود که حضرت اشرف عالی داشتند که یک بنای محکم و باشکوه و ساده در سر قبر ساخته شود که مستحفظ نخواهد و از آب و آتش نیابد گزند.<sup>۵۶</sup>

تلاشهای سی‌سالهٔ انجمن آثار ملی در تعمیر و استحکام آرامگاه فردوسی و رفع رطوبت آن از طریق کانال‌کشی، زه‌کشی و تخلیهٔ قسمت فوقانی بنا از زواید نیز نتیجه‌بخشید. سرانجام پس از بررسیهای دقیق و آزمایشهای مکرر معلوم شد که آرامگاه به علت رعایت نشدن اصول اولیهٔ شالوده‌سازی بر زمین سست محل آن دوامی ندارد و بیم آن می‌رود که بر اثر ریختگی کاشیهای



جناب آقای دکتر محمدتقی میرمحمد  
فرهنگ

رونوشت کتبی از صورت طرزات محب جلسه مورخ ۱۳۴۳/۱۷  
هیئت وزیران را به من لایحه برای اطلاع و اقدام به اقدامات  
در مورد آرامگاه فردوسی لازم است این بنا و طرزات را بنا بر اساس  
طرازات فرهنگ با اندک مسامحه و ارتقا با دلیلی ممکن بود باز به  
ارزگردد و در صورتیکه بخوان تا حدی با اساسی آرامگاه فردوسی به  
تعمیر و احیای باغ محوطه آن اقدام فوری بعمل آید و چنانچه  
قابل تعمیر نیست و تجدید بنا یا آن لازم است طرح ساختمانی جدیدی  
برحسب سبک و حجم و طرزات و طرزات و طرزات و طرزات و طرزات  
ساختمان بجهت احیای و در زمان حضرت رضاشاه کبیر بنا شده  
چون هزاره فرودوسی ساخته شد بجهت احیای بنا  
در مورد آرامگاه اسلامی ساختمان آرامگاه وزارت فرهنگ مورد تأیید است  
و باید به موجب اصل و محط و وجه این بنا عمل آید که به تعلیمه  
آلات و افراد و تعمیر آن به صورتی که در ساختمانها و طرزات  
و طرزات فرهنگ مورد تأیید است و باید در ساختمانها و طرزات  
و طرزات و طرزات و طرزات و طرزات و طرزات و طرزات

اما در داخل آرامگاه به جای فضای کوچک و تاریک و مرطوب و کاشیهای لعاب ریخته، فضایی با وسعت ۹۰۰ مترمربع با استفاده از قسمتهای انباشته زیر سکوهایی گرداگرد بنا ایجاد شد. در تزیینات داخلی مقبره هم از اسلوب معماری دوره غزنوی که معاصر فردوسی بود، استفاده شد و بر دیوارهای داخل آرامگاه نقوش سنگی برجسته‌ای از داستانهای شاهنامه فردوسی به دست فریدون صدیقی، فرزند استاد ابوالحسن صدیقی، ساخته شد.<sup>۵۹</sup> بدین ترتیب تجدید ساختمان آرامگاه فردوسی در سال ۱۳۴۷ به اتمام رسید و در روز دهم اردیبهشت همان سال با حضور محمدرضا پهلوی گشایش یافت.<sup>۶۰</sup>

### کتاب‌نامه

افشار، ایرج. کتاب‌شناسی فردوسی - فهرست آثار و تحقیقات درباره فردوسی و شاهنامه. تهران، انجمن آثار ملی، ۱۳۵۵.

بحرالعلوم، حسین. کارنامه انجمن آثار ملی از آغاز تا ۲۵۳۵ شاهنشاهی (۱۳۵۵-۱۳۰۱ هجری خورشیدی)، تهران، انجمن آثار ملی، ۱۳۵۵.

بهرامی، روح‌الله و دیگران (و.ا). اسنادی از باستان‌شناسی در ایران (حضریات، عتیقات و بناهای تاریخی)، تهران، سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۸۰.

بیرونده ردیف ۵۷۹۸-۲۴۰۰، آرشیو سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران.

بیرونده ردیف ۱۴۵۹۷-۲۹۷۰، آرشیو سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران.

بیرونده ردیف ۲۴۱۵۴-۲۹۷۰، آرشیو سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران.

بیرونده ش ۵۵۲۸۸، اسناد نخست‌وزیری، آرشیو مرکز اسناد ریاست جمهوری.

بیرونده ش ۵۵۵۱۶، اسناد نخست‌وزیری، آرشیو مرکز اسناد ریاست جمهوری.

بیرونده ش ۵۶۰۷، اسناد وزارت دربار، آرشیو مرکز اسناد ریاست جمهوری.

بیرونده ش ۵۶۰۸، اسناد وزارت دربار، آرشیو مرکز اسناد ریاست جمهوری.

بیرونده ش ۵۶۳۹، اسناد وزارت دربار، آرشیو مرکز اسناد ریاست جمهوری.

حجت، مهدی. میراث فرهنگی در ایران، سیاستها برای یک کشور اسلامی، تهران، سازمان میراث فرهنگی کشور، ۱۳۸۰.

ریاحی، محمدامین. فردوسی (زندگی، اندیشه و شعر او)، تهران، طرح نو، ۱۳۷۵.

سلسله پهلوی و نیروهای مذهبی به روایت تاریخ کمبریج، ترجمه عباس مخبر، تهران، طرح نو، ۱۳۷۱.

شافعی، بیژن و دیگران. معماری کریم‌ظاهرزاده بهزاد، تهران، دید، ۱۳۸۴.

شاهرخ، کیخسرو. یادداشت‌های کیخسرو شاهرخ، به کوشش جهانگیر اشیدری، تهران، ۱۳۵۵.

صدیق، عیسی. یادگار عمر، خاطراتی از سرگذشت دکتر عیسی صدیق.

هشتم اردیبهشت ۱۳۴۳ صورت گرفت.<sup>۵۵</sup> هیئت دولت در جلسه محرمانه مورخ ۱۳۴۳/۵/۱۷ تعمیر آن را در اولویت قرار داد:

در مورد آرامگاه فردوسی لازم است این بنا از طرف کارشناسان وزارت فرهنگ با تشریک مساعی وزارت آبادانی و مسکن مورد بازدید قرار گیرد و در صورتی که بتوان با تعمیر اساسی آن را حفظ کرد، نسبت به تعمیر بنا و احیای باغ محوطه آن اقدام فوری به عمل آورد؛ و چنانچه قابل تعمیر نیست و تجدید بنای آن لازم است، طرح ساختمان جدیدی به همین سبک و حجم و با تزیینات و نقوش فعلی تهیه شود، تا این ساختمان به همان نحو که در زمان اعلی حضرت رضاشاه کبیر و به مناسبت جشن هزاره فردوسی ساخته شد، به همان نحو باقی بماند.<sup>۵۶</sup>

بر این اساس در تاریخ ۲۵ خردادماه ۱۳۴۳ ش انجمن آثار ملی قرارداد تجدید بنای آرامگاه فردوسی را با هوشنگ سیحون منعقد کرد.<sup>۵۷</sup> شرکت مقاطعه کاری و ساختمانی کا. ژ. ت. نیز که با مبلغ ۹۰۰،۶۰۲،۳۵ ریال برنده مناقصه ساخت آرامگاه شده بود، تحت نظارت هوشنگ سیحون تخریب بنا و ساخت آن را از اواخر همان سال آغاز کرد.<sup>۵۸</sup> براساس مصوبه هیئت وزیران، در تجدید بنای آرامگاه فردوسی نمای خارجی و حجم و منظر آن با همان سنگها و نوشته‌ها و ستونها محفوظ ماند؛

ت ۱۱، ابلاغیه بحرمانه  
مصوبه هیئت وزیران  
به وزیر فرهنگ  
درباره تعمیر اساسی  
آرامگاه فردوسی، ۲۰  
مرداد ۱۳۴۳، بیرونده  
ش ۵۵۵۱۶، اسناد  
نخست‌وزیری، آرشیو مرکز  
اسناد ریاست جمهوری

تهران، امیرکبیر، ۱۳۶۵.

کرزن، جورج ناتانیل، *ایران و قضیه ایران*، ترجمه غلامعلی وحید مازندرانی، تهران، علمی و فرهنگی، ۱۳۷۳.

کیانی، مصطفی، *معماری دوره پهلوی اول - دگرگونی اندیشه‌ها، پیدایش و شکل‌گیری معماری دوره بیست‌ساله معاصر ایران ۱۳۲۰-۱۳۹۹*، تهران، مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران، ۱۳۸۳.

### پی‌نوشتها

۱. عضو هیئت علمی فرهنگستان هنر

۲. سلسله پهلوی و نیروهای مذهبی به روایت تاریخ کمبریج، ص ۲۷-۳۸.

۳. مهدی حجت، میراث فرهنگی در ایران، سیاستها برای یک کشور اسلامی، ص ۲۴۵.

۴. محمدامین ریاحی، *فردوسی (زندگی، اندیشه و شعرا)*، ص ۳۷۲.

۵. همان، ص ۳۷۲-۳۷۳.

۶. همان، ص ۳۷۲؛ کرزن، *ایران و قضیه ایران*، ج ۱، ص ۲۴۲.

۷. عیسی صدیق، یادگار عمر، خاطراتی از سرگذشت دکتر عیسی صدیق، ج ۲، ص ۲۰۲-۲۰۳.

۸. اسنادی از باستان‌شناسی در ایران (حفریات، عتیقات و بناهای تاریخی)، ص ۳۶۹-۳۷۵.

۹. عیسی صدیق، همان، ص ۲۰۳.

۱۰. پرونده ش ۵۶۳۹، اسناد وزارت دربار، آرشیو مرکز اسناد ریاست جمهوری.

۱۱. عیسی صدیق، همان، ص ۲۰۳.

۱۲. پرونده ش ۵۶۳۹.

۱۳. کیخسرو شاهرخ، *یادداشت‌های کیخسرو شاهرخ*، ص ۱۶۵.

۱۴. همان، ص ۱۶۵-۱۶۶.

۱۵. پرونده ش ۵۶۳۹.

۱۶. همان‌جا.

۱۷. همان‌جا.

۱۸. مصطفی کیانی، *معماری دوره پهلوی اول - دگرگونی اندیشه‌ها، پیدایش و شکل‌گیری معماری دوره بیست‌ساله معاصر ایران ۱۳۲۰-۱۳۹۹*، ص ۸۷.

۱۹. کیخسرو شاهرخ، همان، ص ۱۶۶؛ پرونده ش ۵۶۳۹.

۲۰. پرونده ش ۵۶۳۹.

۲۱. عیسی صدیق، همان.

۲۲. عیسی صدیق، همان، ص ۲۱۰.

۲۳. ایرج افشار، *کتاب‌شناسی فردوسی - فهرست آثار و تحقیقات درباره فردوسی و شاهنامه*، ص ۳۳۲.

۲۴. عیسی صدیق، همان، ص ۲۱۰.

۲۵. پرونده شماره ۵۶۰۷، اسناد وزارت دربار، آرشیو مرکز اسناد ریاست جمهوری.

۲۶. همان‌جا.

۲۷. همان‌جا.

۲۸. همان‌جا.

۲۹. همان‌جا.

۳۰. همان‌جا.

۳۱. پرونده شماره ۵۶۰۸، اسناد وزارت دربار، آرشیو مرکز اسناد ریاست جمهوری.

۳۲. کیخسرو شاهرخ، همان، ص ۱۶۴، ۱۶۶.

۳۳. پرونده شماره ۵۶۰۷.

۳۴. همان‌جا.

۳۵. کیخسرو شاهرخ، همان، ص ۱۷۱.

۳۶. مصطفی کیانی، همان، ص ۲۱۸-۲۱۹؛ بیژن شافعی و دیگران، *معماری کریم طاهرزاده بهزاد*، ص ۶۰-۶۱؛ پرونده شماره ۵۶۰۷.

۳۷. پرونده شماره ۵۶۰۷.

۳۸. همان‌جا.

۳۹. حسین بحر العلومی، *کارت‌نامه انجمن آثار ملی از آغاز تا ۲۵۳۵ شاهنشاهی (۱۳۵۵-۱۳۰۱ هجری خورشیدی)*، ص ۲۷-۲۹؛ صدیق، همان، ص ۲۰۳-۲۰۴، ۲۱۰.

۴۰. پرونده ردیف ۲۴۰۰۰۵۷۹۸، آرشیو سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران.

۴۱. همان‌جا.

۴۲. عیسی صدیق، همان، ص ۲۱۱-۲۱۲.

۴۳. همان، ص ۲۱۳.

۴۴. همان، ص ۲۱۶-۲۱۷.

۴۵. همان، ص ۲۲۹.

۴۶. کیخسرو شاهرخ، همان، ص ۱۷۰.

۴۷. عیسی صدیق، همان، ص ۲۳۱.

۴۸. پرونده‌های ردیف ۲۴۰۰۰۵۷۹۸، ۲۹۷۰۲۲۱۵۴، ۲۹۷۰۱۴۵۹۷، ۲۹۷۰۱۴۵۹۷، آرشیو سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران.

۴۹. عیسی صدیق، همان، ص ۲۳۳.

۵۰. پرونده شماره ۵۶۰۷، اسناد وزارت دربار، آرشیو مرکز اسناد ریاست جمهوری.

۵۱. پرونده شماره ۵۵۲۸۸، اسناد نخست‌وزیری، آرشیو مرکز اسناد ریاست جمهوری؛ حسین بحر العلومی، همان، ص ۴۶۷.

۵۲. حسین بحر العلومی، همان، ص ۴۶۸.

۵۳. همان، ص ۴۶۸-۴۶۹.

۵۴. همان، ص ۴۶۹.

۵۵. همان، ص ۴۷۱.

۵۶. همان، ص ۴۷۲.

۵۷. پرونده شماره ۵۵۵۱۶، اسناد نخست‌وزیری، آرشیو مرکز اسناد ریاست جمهوری.

۵۸. حسین بحر العلومی، همان، ص ۴۷۳-۴۷۴.

۵۹. همان، ص ۴۷۴.

۶۰. پرونده شماره ۵۵۵۱۶، اسناد نخست‌وزیری، آرشیو مرکز اسناد ریاست جمهوری؛ حسین بحر العلومی، همان، ص ۴۷۸.

۶۱. ایرج افشار، همان، ص ۳۲۷؛ حسین بحر العلومی، همان، ص ۴۷۷.